

نقش راهبرد رسانه‌ای در شکل‌گیری جنبش‌های نوین اجتماعی در خاورمیانه عربی و شمال آفریقا از منظر ژئوپلیتیک عمومی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۷/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۹/۱۳

زهرا احمدی پور^۱

حسن جعفر زاده^{۲*}

چمران بویه^۳

چکیده

فرایندهای تصمیم‌سازی، ساخت قدرت و مناسبات دولت - ملت (در حوزه مشروعیت‌بخشی و مشروعیت‌زدایی) از رابطه قدرت میان دولت و ملت، به‌عنوان دو جزء بنیادی یک واحد سیاسی مدرن، متأثر است؛ از این‌رو همواره، نوعی هم‌آوردی ژئوپلیتیکی میان نهاد دولت و ملت در جریان است که بسته به نوع رقابت، شکل (فرم) نظام سیاسی را متأثر خواهد کرد. نقش آفرینی عرصه عمومی و ملت‌ها تحولی است که در ادبیات ژئوپلیتیک از آن با عنوان ژئوپلیتیک عمومی یاد می‌شود. ژئوپلیتیک عمومی با تعریف متقدانه، به بررسی روابط قدرت مؤثر در شکل‌گیری ادراک‌های ژئوپلیتیکی افراد و گروه‌ها در پیوند با رسانه می‌پردازد؛ در این‌میان، تحولات سیاسی کشورهای شمال آفریقا و خاورمیانه عربی طی چند سال گذشته (هرچند)، هریک ویژگی‌های خاص خود را داشته و بسیاری از حکومت‌ها سرنگون شده‌اند اما نمی‌توان در قالب ادبیات سنتی انقلاب به‌آکامی تحولات یادشده پرداخت؛ از این‌رو، این نوشتار با رویکردی تبیینی و با روش توصیفی - تحلیلی، درصدد پاسخ‌گویی به این پرسش است که «از منظر ژئوپلیتیک عمومی، چه عاملی به وقوع جنبش‌های اجتماعی و ساختار شکن خاورمیانه و شمال آفریقا منجر شده است؟»؛ در پاسخ، این فرض را مطرح کرده ایم که شکل‌گیری جنبش‌های خاورمیانه عربی و سرنگونی نظام‌های اقتدارگرا و ناکارآمد عربی، در تقابل میدان‌های قدرت میان دو حوزه نخبگان حکومتی و لایه‌های مردمی یک ساختار سیاسی ریشه‌دار که در این‌راستا رسانه‌ها نقشی اساسی ایفا کرده‌اند؛ بنابراین از منظر ژئوپلیتیکی، تحولات یادشده، در نتیجه رویارویی‌ها و تنش‌های حوزه ژئوپلیتیک عمومی و حوزه ژئوپلیتیک دولت‌محور (خاص) شکل می‌گیرند.

واژگان کلیدی: ژئوپلیتیک، رسانه، جنبش‌های اجتماعی، خاورمیانه عربی، شمال آفریقا.

۱. استاد جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس تهران

۲. دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس تهران (نویسنده مسئول: jafarzadeh.hassan@yahoo.com)

۳. دانش‌آموخته جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس تهران

مقدمه

ستیزه‌ها و تلاطم‌های جامعه، همواره از نوسان‌های مفهوم قدرت در لایه‌های تشکیل‌دهنده ساخت یک واحد سیاسی، متأثر است. از منظر سیاست داخلی و درخصوص کنش دولت و ملت، قدرت، ابزاری به‌منظور مدیریت و حکمرانی بر کشور است. هرگاه رابطه قدرت از سوی دولت برای ملت رویکردی تهدیدآمیز و تنگناگونه داشته‌باشد، عرصه عمومی به آن واکنش نشان خواهد داد؛ وقتی عرصه عمومی از نظر میزان قدرت به آستانه‌ای برسد که نهاد دولت اقتدارگرا را به‌چالش بکشد، ساخت سیاسی با دگرگونی، روبه‌رو خواهد شد؛ این دگرگونی‌ها در طیفی از تغییرهای اصلاح طلبانه آرام تا انقلاب‌ها و جنبش‌های ساختارشکنانه قرار می‌گیرند؛ از این‌رو، واکنش عرصه عمومی در هم‌آوردی با قدرت دولت در چارچوب مفهوم ژئوپلیتیک عمومی نمودمی‌یابد؛ در این میان، رسانه‌ها در میدان هم‌آوردی ژئوپلیتیک دولت - ملت به‌عنوان ابزاری ژئوپلیتیکی نقش‌آفرینی می‌کنند؛ به‌طوری‌که رسانه‌ها در جهت‌دهی به ادراک، نگرش و به‌تبع، الگوهای رفتار اجتماعی و سیاسی افراد، به‌گونه‌ای برجسته کارکرد دارند. مهم‌ترین کارکرد رسانه، انتقال پیام است. رسانه به‌واسطه پیامی که دارد، انسان را در برقراری ارتباط با محیط سیاسی - اجتماعی‌اش یاری می‌رساند. برخاسته از گسترش فزاینده فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات (فاوا)، رسانه‌ها سرشتی گسترده و پُرشمار یافته‌اند و با درنوردیدن مرزهای سیاسی، جُستار حاکمیت و قدرت مطلق را به‌چالش کشیده‌اند. پیدایش و گسترش شبکه‌های اجتماعی در فضای مجازی، یکی از آشکارترین پیامدهای توسعه زیرساخت‌های اینترنت بوده‌است؛ از این‌رو طی دو دهه اخیر، نظام رسانه‌ها در عرصه ژئوپلیتیک عمومی، مخاطبانی بسیار را به‌سوی خود کشانده‌است که پیدایش شبکه‌ها و جنبش‌های نوین اجتماعی از نموده‌های آن به‌شمار می‌روند. جنبش‌های اجتماعی، تحرک و کُنشی جمعی برای گذار از وضعیت نامطلوب و دستیابی به منافع یا اهداف مشترک هستند. نام‌هایی مانند جنبش‌های کارگری، آنارشیستی، سیاهان، حقوق مدنی، ضد جنگ، زنان، طرف‌داران محیط زیست و... تنها بخشی از نامورترین و گسترده‌ترین جنبش‌های معاصر بوده‌اند؛ در این میان، رسانه‌های نوین در قالب فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی در تسهیل فروپاشی نظام‌های اقتدارگرا، حفظ ارتباط اعضا و همچنین هدایت و شکل‌گیری جنبش، بسیار کارآمد نشان داده‌اند. تحولات سیاسی - اجتماعی کشورهای عربی در چند سال اخیر نیز، جدیدترین نوع جنبش‌های اجتماعی است که در واکنش به ناکارآمدی نظام‌های اقتدارگرا و در چارچوب مسائل

سیاسی-اجتماعی این جوامع شکل گرفته‌اند. با توجه به ماهیت جنبش‌های اخیر و نقش رسانه‌ها در شکل‌گیری این جنبش‌ها، رویکرد ژئوپلیتیک عمومی از مهم‌ترین رویکردهایی است که می‌تواند در شناخت علل وقوع این جنبش‌ها مؤثر باشد؛ از این رو پرسش اصلی تحقیق حاضر، این است که «از منظر ژئوپلیتیک عمومی، چه عاملی، به وقوع جنبش‌های اجتماعی و ساختارشکن خاورمیانه و شمال آفریقا منجر شده است؟»؛ متناسب با این پرسش، فرضیه تحقیق را می‌توان بدین صورت بیان کرد: از منظر ژئوپلیتیک عمومی، رسانه‌های گروهی با متأثرکردن جغرافیای ذهنی افراد و گروه‌ها، نقش اصلی را در وقوع جنبش‌های اجتماعی اخیر خاورمیانه و شمال آفریقا ایفا کرده‌اند؛ بنابراین می‌توان هدف این پژوهش را بررسی کارکرد راهبرد رسانه‌ای در شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی خاورمیانه عربی و شمال آفریقا مطرح کرد.

الف - پیشینه تحقیق

درخصوص مسئله پژوهش، تحقیق‌هایی صورت گرفته‌اند؛ در این راستا جمشیدیان در پژوهشی با عنوان *بیداری اسلامی و سهم فناوری و تکنولوژی‌های ارتباطی در آن*، تأثیر رسانه‌های ارتباطی و فناوری‌های نوین بر انقلاب‌های عربی (بیداری اسلامی) را بررسی کرده‌است و با بیان تأثیرگذاری اساسی این رسانه‌ها از این قیام‌ها، با نام «انقلاب‌های فیس‌بوکی و توییتری» یاد می‌کند. فیس‌بوک، سهمی مهم در سازماندهی حمایت‌های مردمی از انقلاب مردم مصر، لیبی، بحرین، سوریه، تونس و عربستان برعهده داشت (جمشیدیان، ۱۳۹۳: ۶۶).

خلیل‌نیا و حیدری در پژوهشی با عنوان *تحلیل جنبش اجتماعی مصر در چارچوب نظریه‌های متاخر جنبش اجتماعی جان فوران* نتیجه‌گیری می‌کنند که حضور و مشارکت اقشار مختلف در جنبش اجتماعی ضد رژیم مبارک در مصر به دلیل نارضایتی انباشته شده طی چند دهه اخیر به دلیل قابلیت‌های بسیجی، شبکه‌سازی و اشاعه‌دهنده اینترنت و شبکه‌های اجتماعی بوده‌است (خلیل‌نیا و حیدری، ۱۳۹۱: ۶۹).

همچنین موثقی گیلانی و عطارزاده در پژوهشی با عنوان *نقش و تأثیر فضای مجازی بر جنبش‌های اجتماعی* نتیجه گرفته‌اند که تعامل موفق بین فضای مجازی و جنبش اجتماعی، از انطباقی پویا میان کارویژه‌های گروه‌های اجتماعی و سیاسی در جهان واقعی و جهان مجازی، ناشی است (موثقی گیلانی و عطارزاده، ۱۳۹۱: ۱۴۷).

عبدالهی و همکاران در پژوهشی با عنوان *نقش رسانه‌های نوین در جنبش‌های اجتماعی* اشاره می‌کنند که جنبش‌های اجتماعی برای تداوم فعالیت خود و به‌ثمرنشانیدن حرکت‌های اعتراضی، به رسانه‌های گروهی جریان اصلی نیازمندند چراکه این رسانه‌ها بخش وسیعی از مردم را در طبقات مختلف دربرمی‌گیرند (عبدالهی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۴۵).

آقایی و همکاران در پژوهشی با عنوان *واکاوی نقش اینترنت و رسانه‌های اجتماعی جدید در تحولات منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا* چنین نتیجه می‌گیرد که نقش اجتماع‌سازی شبکه‌های اجتماعی در برخی از کشورهای منطقه، موجب ایجاد بحران شد و در کنار عوامل دیگر، زمینه را برای سقوط و اصلاحات سیاسی برخی از رژیم‌های منطقه فراهم آورد (آقایی و همکاران، ۱۳۹۴: ۷).

نایینی نیز در پژوهشی با عنوان *ژئوپلیتیک ارتباطات و رسانه‌های نوین و نقش آن در شکل‌گیری قدرت با نگاهی امنیتی به نتیجه می‌رسد که نظام‌های نوین ارتباطی و رسانه‌ها منشأ تحولات عظیم در عرصه قدرت سیاسی، اقتصادی و نظامی در جهان شده‌اند و با ظهور پیامدهای منفی خود برای امنیت و استقلال جوامع انسانی، مشکلاتی را به وجود آورده‌اند (نایینی، ۱۳۸۹: ۳۷).*

پژوهش‌های بالا هرچند بر نقش رسانه‌های جمعی در وقوع جنبش‌های سیاسی به‌طور موردی و از لحاظ نظری (تئوریک) تأکید می‌کنند، آنچه این تحقیق را از تحقیق‌های پیشین متمایز می‌سازد، رویکرد آن در بررسی این مسئله از منظر ژئوپلیتیک عمومی و به‌صورت کل‌نگر است. با توجه به اینکه کنش‌ها و نقش‌آفرینی انسان (افراد و گروه‌ها) به‌عنوان بازیگر فضایی (فضای جغرافیایی)، بازتاب‌های سیاسی مختلفی می‌تواند داشته‌باشد، از این‌رو نقش‌آفرینی انسان، جنبه‌ای ژئوپلیتیک پیدامی‌کند. چگونگی تأثیرگذاری افراد گروه‌ها بر ساخت‌های سیاسی، تحت تأثیر عواملی مختلف صورت می‌گیرد که از مهم‌ترین آنها رسانه‌ها هستند که امروزه در مقام منبع مهم جهت‌دهنده جغرافیای ذهنی افراد عمل می‌کند؛ در واقع از این منظر، نقش و فرایند تأثیرگذاری رسانه‌ها و به‌خصوص شبکه‌های اجتماعی در بازنمایی اخبار و وقایع، بر جغرافیای ذهنی افراد اثر می‌گذارد و به‌تبع آن، نقش‌آفرینی ژئوپلیتیکی افراد و گروه‌ها در فضای عینی در قالب وقوع حرکات سیاسی از جمله جنبش‌های سیاسی - اجتماعی به‌وقوع می‌پیوندد؛ از این‌رو در خصوص تحولات اخیر خاورمیانه، به چگونگی نقش رسانه‌ها، به‌خصوص شبکه‌های اجتماعی در فضای مجازی، بر فضای فکری کاربران و انعکاس آن بر نقش‌آفرینی سیاسی افراد و گروه‌ها که در جنبش‌های اجتماعی اخیر تبلور یافته‌است، توجه می‌شود؛ بنابراین در این تحقیق، مشخص می‌شود که چگونه گفتمان ژئوپلیتیکی مبتنی بر فرهنگ

عمومی جامعه متأثر از نقش رسانه‌ها، بر گفتمان دولت‌محور غلبه کرده، شکل‌گیری و درنهایت، نقش‌آفرینی جنبش‌های اجتماعی را موجب خواهد شد.

ب- روش تحقیق

این تحقیق از نوع توصیفی - تحلیلی بوده و روش گردآوری داده‌ها و اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و در چارچوب استفاده از کتب، مقالات و منابع اینترنتی بوده است.

ج- مبانی نظری

۱- ژئوپلیتیک

ژئوپلیتیک، علم مطالعه روابط متقابل جغرافیا، قدرت و سیاست و کنش‌های ناشی از ترکیب آنها با یکدیگر است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۳۶). ژئوپلیتیک، آموزه‌ای است که به وسیله آن، پدیده قدرت در چارچوب تمایزها و ویژگی‌های سرزمینی یا جغرافیایی مطالعه می‌شود (Sheikh, 2003: 31)؛ به عبارت دیگر، ژئوپلیتیک از نقش‌آفرینی‌های سیاسی - محیط در چارچوب مفهوم قدرت سخن می‌گوید (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۲۱) و به مطالعه نظام‌های ژئوپلیتیک می‌پردازد. نظام ژئوپلیتیک مجموعه‌ای متمرکز بر روابط میان منافع بازیگران سیاسی، علایق مرتبط با فضا و عناصر جغرافیایی است (Vladimir, <http://www.websters-online-dictionary.org>)؛ براساس این، برهم‌کنشی قدرت، سیاست و فضای جغرافیایی، بُن‌مایه ژئوپلیتیک به‌شمار می‌روند که در این میان، تکرر حوزه مفهومی قدرت، تکرر گستره عملکردی ژئوپلیتیک در عرصه فضا را به‌دنبال داشته است.

یکی از عوامل مهم و مؤثر در ژئوپلیتیک و به تبع آن، سیاست داخلی و خارجی کشورها، عامل انسانی است که آثار آن از نظر کمی و کیفی، قابل بررسی است؛ به عبارتی، مهم‌ترین عامل در ژئوپلیتیک، انسان است زیرا تمام پدیده‌های محیط طبیعی (چه ثابت و چه متغیر)، در یک قطب و انسان به‌تنهایی در قطب دیگر قرار دارد. عوامل اساسی ژئوپلیتیک، ایجاد زیربنای اجتماعی و نهادهای سیاسی و فراهم‌آمدن زمینه اتخاذ خط‌مشی سیاسی را باعث می‌شوند. نهادهای اجتماعی برپایه رژیم سیاسی، سازمان اقتصادی، عادات، تاریخ و اعتقادهای یک ملت پایه‌گذاری می‌شوند و از آنجاکه در بسترهای جغرافیایی متنوعی به‌وجود می‌آیند با یکدیگر تفاوت دارند. هرچه عوامل همبستگی نهادهای اجتماعی در جامعه‌ای بیشتر باشد، آن جامعه، کمتر مورد سوءاعمال نفوذ مادی و

معنوی سیاست‌های خارجی قرار خواهد گرفت؛ به عبارتی، تمام عوامل مؤثر بر سیاست‌های جغرافیایی در بافت سیاسی و اجتماعی، معنا و مفهوم پیدامی‌کنند (اطاعت، ۱۳۷۶: ۵۴).

۲- ژئوپلیتیک دولت‌محور (ژئوپلیتیک خاص)

حوزه مفهومی ژئوپلیتیک دولت‌محور، نشان‌دهنده دیدگاه‌های رسمی نخبگان و رهبران سیاسی درخصوص محیط ژئوپلیتیک کشور و مناسبات آن با نظام جهانی است؛ این مناسبات و گنش‌ها تابعی از راهبرد و موقعیت ژئوپلیتیک دولت‌ها و نیز ساختار نظام ژئوپلیتیک جهانی به‌شمارمی‌روند (Dodds 2000:42)؛ ژئوپلیتیک در این حوزه به تبیین هم‌آوردی و گسترش حوزه نفوذ آن دسته از بازیگران و کنش‌گران سیاسی می‌پردازد که در پی کسب قدرت از رهگذر بهره‌گیری از اهرم‌ها و فرصت‌های جغرافیایی هستند؛ به گونه‌ای که برای آنها قدرت و امکان چیرگی بر رقیب را فراهم‌کند. آنها برای تصرف فرصت‌ها و مقهورها، در مکان و فضای جغرافیایی به رقابت می‌پردازند و می‌کوشند در فضاها جغرافیایی، نفوذی گسترده‌تر داشته‌باشند و آنها را به قلمرو اعمال اراده خود بیفزایند و برعکس، رقبا را از فضاها مورد منازعه برانند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۸۴)؛ در این حوزه از ژئوپلیتیک، رویکرد نظامی و سخت‌افزارانه در جهت‌دهی به سیاست‌ها و راهبردها به‌گونه‌ای برجسته نمود دارد و رقابت قدرت‌ها برای سلطه بر مناطق یا جهان است (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۳۲).

۳- ژئوپلیتیک عمومی (مردمی)

ژئوپلیتیک عمومی از جمله حوزه‌های نوپدید در عرصه مطالعات ژئوپلیتیک، به‌ویژه ژئوپلیتیک انتقادی به‌شمارمی‌رود (O'Tuathail 1999,112). با فروپاشی شوروی، گسترش روند مردم‌سالاری در عرصه اطلاع‌رسانی و فضای مجازی از میانه دهه ۱۹۹۰، به «حوزه ژئوپلیتیک عمومی در پویایی بن‌مایه‌های ژئوپلیتیک» توجه‌شد.

درون‌مایه ژئوپلیتیک عمومی بر این فرض، استوار است که قدرت در لایه‌های پایین جامعه نهفته است؛ از این رو، در برابر مفهوم ژئوپلیتیک سنتی که قدرت را در ساخت دولت و قلمروخواهی (میرحیدر و افضل، ۱۳۹۰: ۲)، نخبگان سیاسی و رسمی دولت (ژئوپلیتیک خاص) متمرکز می‌داند، قرار می‌گیرد. ژئوپلیتیک عمومی، به واکاوی استدلال‌های عملی ژئوپلیتیک درخصوص کنش‌ها و تعامل‌های فزاینده روزانه مردم با رسانه‌ها (دیداری، شنیداری و نوشتاری) و درک و دیدگاه عمومی مردم درباره رویدادهای سیاسی می‌پردازد (Brown & Purcell, 2010:66).

ژئوپلیتیک عمومی، تأثیر رسانه‌ها را بر ایجاد و تداوم درک و فهم غالب ژئوپلیتیکی بررسی می‌کند (McFarlane:2003,1). ژئوپلیتیک عمومی، دانشی راجع به شیوه‌هایی است که در آن ادراک‌های غیرحرفه‌ای از موضوع‌های ژئوپلیتیک، از طریق فرهنگ عمومی، تولید و بازتولید می‌شوند؛ /ولافلاین در این راستا می‌افزاید که ژئوپلیتیک عمومی، به تصاویری (تصورات)، مربوط است که شهروندان عادی از کشور خود و دیگران دارند (O'Loughline,2003,54)؛ این اتفاق نیز وجود دارد که رسانه، مبحثی جدایی‌ناپذیر از ژئوپلیتیک عمومی است؛ چنان‌که کلاس دادرز معتقد است: ژئوپلیتیک عمومی، اهمیت رسانه را در شکل‌گیری ادراک و تعامل ما با جهان مطرح می‌کند ((Dodds,2006,78) و در تأیید آن، جرارد توآل، ژئوپلیتیک عمومی را عبارت از ساخت و انتشار گفتمان ژئوپلیتیک، در فرهنگ عمومی به وسیله رسانه‌های جمعی می‌داند (O'Tuathail,1998,18).

بنابراین، ژئوپلیتیک عمومی در دو سطح زیر تعریف پذیر است:

۱- ژئوپلیتیک عمومی، بازنمایی ژئوپلیتیکی از سوی رسانه برای هدایت ادراک‌هاست و هدف در این رهیافت، کسب قدرت است.

۲- ژئوپلیتیک عمومی، بازنمایی موضوع (سوژه) ژئوپلیتیکی تولیدشده در رسانه است و هدف در این سطح و تعریف، ساخت‌شکنی و کشف روابط قدرت است.

براین پایه، انگاره‌ها و باورهای غیررسمی ژئوپلیتیک که ماهیتی غیرنخبگی در سطح سیاسی دارند و اغلب، حوزه کنش‌گری توده‌ها به‌شمار می‌روند، عرصه پژوهش ژئوپلیتیک عمومی است؛ از این رو، ژئوپلیتیک عمومی، آن دسته از اشکال عمومی و درک غیرتخصصی موضوع‌های ژئوپلیتیکی و رابطه متقابل میان فرهنگ عمومی جامعه با نوع ادراک افراد را بررسی می‌کند که مردم، آنها را تولید و بازتولید می‌کنند (Dittmer, & Dodds,2008:457).

۴- الگوی روابط ژئوپلیتیک عمومی و دولت‌محور

در قالب روابط دولت - جامعه، دو عامل شورش مردم و فروپاشی دولت، شرط لازم برای رویداد انقلاب است (skocpol,1979:68)؛ عامل اول، معرف حوزه عمومی و عامل دوم، معرف حوزه نخبگان حکومتی است. از آنجاکه ساخت دولت، عرصه مشترک و هماهنگ مفهومی و پژوهشی ژئوپلیتیک دولت‌محور (خاص) و ژئوپلیتیک عمومی است، ناگزیر میان این دو حوزه، الگوهای خاصی از برهم‌کنشی برقرار است:

۱- **الگوی تعاملی:** در این الگو، حوزه عمومی و خصوصی، ادراک ژئوپلیتیک همسانی از موضوعها و مسائل ژئوپلیتیک دارند؛ ادراک مشترک باعث می‌شود که در فرایند تصمیم‌گیری‌های سیاسی، تعارضی آشکار نمودنیابد؛ در چنین الگویی، منافع حداکثری دولت در نظام ژئوپلیتیک منطقه-ای و جهانی تأمین خواهدشد.

۲- **الگوی ستیزه‌جویانه:** برخلاف الگوی پیشین، حوزه عمومی و خصوصی، ادراک ژئوپلیتیک همسانی از امور و مسائل ژئوپلیتیک به‌نمایش نمی‌گذارند که نتیجه آن در شکل اختلال در روند تصمیم‌گیری‌های سیاسی نمودمی‌یابد؛ پیدایش چنین وضعیتی، زمینه بروز شکاف و منازعه در ساختار دولت-ملت است که نمودهای آن در قالب نافرمانی مدنی، آشوب، انقلاب و جنبش‌های اجتماعی سربرمی‌آورد.

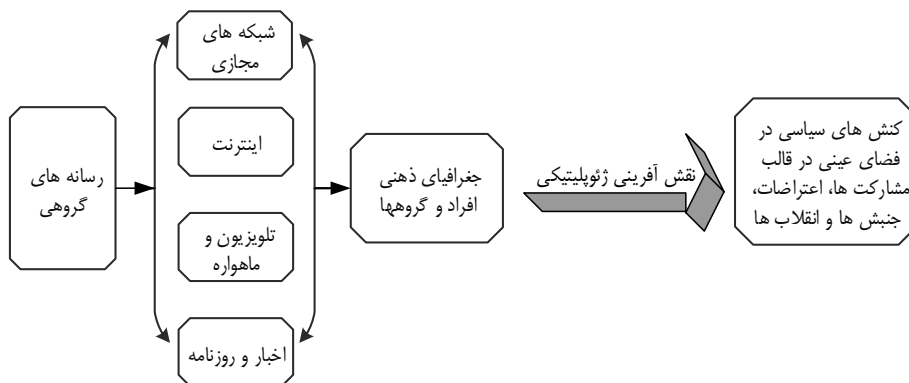
۵- ژئوپلیتیک (عمومی) و رسانه‌ها

به موازات پیچیده‌ترشدن ساخت اجتماعی جوامع و تنوع حوزه‌های قدرت، رسانه‌ها از نوعی ابزار ساده پیام‌رسانی به ابزار سیاسی قدرت، ماهیت خود را تغییر داده‌اند به‌گونه‌ای که در کنترل‌کنش‌ها و مناسبات اجتماعی، مؤلفه‌ای جدید از قدرت سیاسی جوامع به‌شمارمی‌روند؛ آنها واژگان، نمادها و اصطلاح‌هایی را می‌آفرینند تا مردم و گروه‌های اجتماعی را به سمت الگوهای فکری خاص و مسیرهایی که برای ایشان در نظر گرفته‌اند، رهنمون شوند (بورن، ۱۳۷۹: ۱۰۰).

رسانه‌ها با قرارگرفتن در میانه جامعه فکری و سازمان قدرت، فرصت و امکان تبادل نظر و تعامل فکر-قدرت را فراهم می‌کنند؛ مؤلفه‌ای که می‌تواند با تصویرسازی‌های متنوع خود، جریان قدرت را در جوامع تغییردهد (تامپسون، ۱۳۸۰: ۸۹). برداشت‌ها و کنش‌های روزانه مردم به میزانی زیاد تابع کارکرد و اهداف گردانندگان رسانه‌های گروهی یا نخبگان ژئوپلیتیک خاص و عام است که بر خلق پندار ژئوپلیتیک، مفاهیم استعلائی و انضمامی تمرکزی کند و برخاسته از آن، سیاست‌های داخلی و خارجی، طراحی و عملیاتی می‌شوند؛ برای نمودهای عینی چنین تحولاتی، می‌توان به جنگ سوم خلیج فارس (حمله آمریکا به عراق)، تهاجم به افغانستان و ایجاد جو روانی بین‌المللی از بی‌اطمینانی پوش‌های هسته‌ای ایران توسط ژئوپلیتیک عمومی آمریکا اشاره کرد؛ براساس این، پیوند قلمرو معنایی تصویرسازی رسانه‌ای (پندار ژئوپلیتیک) تبیین‌کننده ابعاد جایگاه رسانه‌ها در ژئوپلیتیک عمومی است. عنصر تصویرسازی ذهنی در نظام رسانه‌ها از آن رو مهم است که کنش‌های اجتماع‌های انسانی در

دوران مدرن به دلیل پیچیدگی جوامع و تعدد عوامل، برپایه تصاویر شکل‌می‌گیرند و تعریف‌می‌شوند (هوور و لاندبای، ۱۳۸۲: ۱۸۸). کانون‌های قدرت از رهگذر کنترل ابزارهای ارتباط گروهی و به‌تبع، محتویات و پیام‌های آنها توان نفوذ، هدایت و شکل‌دهی به افکار عمومی را به‌دست‌می‌آورند (Fourie, 2001: 122). جنبش‌هایی اجتماعی موسوم به انقلاب رنگی در اروپای خاوری از بارزترین مصداق‌های کارکرد رسانه‌ها در چارچوب ژئوپلیتیک عمومی است. انقلاب رنگی یا مخملی^۱ به‌عنوان نوعی براندازی غیرخشونت‌آمیز و دگرگونی بدون خون‌ریزی، برآیند پویای سیاسی رسانه‌ها در فرایند مشروعیت‌زدایی از حاکمیت و تغییر رژیم در کشورهای یادشده بود که طی راه‌پیمایی خیابانی و با نقش محوری رسانه‌های مخالف حکومت مستقر انجام شد (Dale, 2009: 87)؛ از این‌رو، رسانه‌ها در تقویت حوزه آزادی‌های مدنی، تقویت دموکراسی و فرایند انتخابات در گستره ژئوپلیتیک عمومی، کارکردی ویژه‌ای یافته‌اند. بی‌گمان، با پیشرفت فزاینده فناوری‌های رسانه‌ای و ارتباطی، آگاهی جوامع نسبت به آنچه در عرصه سیاسی رخ می‌دهد، بیش از گذشته خواهد شد که این تحول، زمینه پویای سیاسی فزاینده توده‌ها در قالب جنبش‌های اجتماعی و انتقادی نسبت به قدرت مسلط نهاد حکومت است.

شکل ۱: فرایند تأثیر رسانه‌ها بر کنش‌های سیاسی از منظر ژئوپلیتیک عمومی



(منبع: ترسیم از نگارندگان)

۶- کارکرد رسانه‌های نو در عرصه حاکمیت

فناوری‌های ارتباطی نوین، انحصار حاکمیت در معرفی و تفسیر رخدادها را از میان برده که نتیجه آن در قالب مصونیت نسبی جامعه در برابر فشار حکومت نمود یافته‌است. پیام‌های الکترونیک، شبکه‌های ماهواره و طرح (پروژه) اینترنت برخلاف کتاب، نشریات و گردهمایی‌ها به آسانی، کنترل‌پذیر نیستند (نصری، ۱۳۹۰: ۳۹). رسانه‌های نوین (ماهواره و اینترنت) در عرصه‌های اطلاعاتی و ارتباطی، دگرگونی در ماهیت تعامل انسان با محیط پیرامون و شتاب تغییرهای نهادی در ابعاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی را موجب شده‌اند؛ در نتیجه این تحولات، وزن ژئوپلیتیکی توده مردم افزایش یافته به گونه‌ای که اقتدار و قدرت حاکمیت را به چالش کشیده‌است؛ به عبارت دیگر، پندارها و انگاره‌های ژئوپلیتیک مردمی و عمومی، ساخت قدرت سیاسی را در جوامع مدرن دگرگون کرده به طوری که هم‌اوردی‌های میدان قدرت حوزه عمومی در کنار عرصه قدرت حوزه حاکمیتی، محیط ژئوپلیتیک داخلی کشورها را شکل می‌دهند. برخلاف رسانه‌های سنتی که حکومت‌ها تا اندازه‌ای زیاد توانایی کنترل آنها را داشته‌اند، رسانه‌های مجازی مانند توئیتر، فیس‌بوک، ارتباطات ایمیلی و... به طور عمده، خارج از اراده کنترلی حاکمیت‌ها هستند و تغییرهایی عمیق را در محتوای، بستر و سلسله‌مراتب موضوع‌ها ایجاد کرده‌اند؛ اهمیت این موضوع به اندازه‌ای است که شاهد پیدایش واژه دولت مجازی هستیم. گسترش روزافزون شبکه جهانی اینترنت، اهمیت این حوزه را نشان می‌دهد.

اینترنت به عنوان رسانه‌ای مدرن، قابلیت‌هایی بی‌همتا دارد که کانون مناسبات قدرت در جوامع را دگرگون کرده‌است؛ مرزهای خود را فراسوی حوزه‌های سنتی مربوط به اختیارات قانونی حکومت‌ها توسعه داده و الگوهای ویژه خود را در زمینه اداره امور پدید آورده‌است (مشیرزاده و ابراهیمی، ۱۳۸۹: ۱۴۲). فناوری پوشاندن اطلاعات و برنامه‌هایی نظیر نیوتلا و فرینت به کاربران اینترنت امکان داده‌است، به صورت ناشناس به مبادله اطلاعات بپردازند؛ این گونه برنامه‌ها، فضایی پهناورتر در اختیار افراد قرار می‌دهند و کنترل اینترنت برای حکومت‌ها را دشوار می‌کنند؛ در این شبکه‌ها، افراد و گروه‌ها بدون حضور فیزیکی یا ساخت نهادی، برای اقدام مشترک به هم می‌پیوندند. رسانه‌های مدرن، فعالان جنبش‌ها را قادر می‌کنند تا به ایجاد اجتماع‌ها و انجمن‌های مجازی اقدام کنند؛ این انجمن‌ها نمود کالبدی ندارند و در درون شبکه‌های الکترونیکی تشکیل می‌شوند. از آنجاکه ایجاد انجمن‌ها آسان و سریع است و می‌توان برای هر هدفی به ساخت آنها پرداخت، «این انجمن‌ها»، افراد، گروه‌ها، شرکت‌ها و... را قادر می‌سازند تا منافع، اهداف، دیدگاه‌ها و اندیشه‌های خود را به طور مستقل

بیان‌کنند و حکومت را با چالش و بحران روبه‌رو کنند (نای، ۱۳۸۷: ۱۴).

رسانه‌های نوین، زمینه ارتباطات نامحدود فردبه‌فرد (از طریق رایانامه)، یک فرد به تعداد بیشتری افراد (از طریق هوم‌پیچ شخصی یا همایش الکترونیکی) یا ارتباط شمار زیادی از افراد با یک فرد (از طریق پخش برنامه الکترونیکی) را فراهم می‌کنند؛ دیگر آنکه امکان ارتباط شمار بسیاری از افراد را از رهگذر اتاق گفتگوی هم‌زمان مهمانی‌سازند. پیام‌های اینترنتی، از این امکان بهره‌مندند که با دخالت شماری کمتر از واحدهای میانجی (فرد و سازمان)، بیشتر و سریع‌تر جریان‌یابند (نای، ۱۳۸۷: ۸۹). زین‌پس، مناسبات ساخت قدرت سیاسی در کشورها به‌طور صرف، عرصه نقش‌آفرینی حکومت‌ها نخواهد بود بلکه قدرت به شکلی گسترده‌تر توزیع خواهد شد و حوزه قدرت مردمی یا ژئوپلیتیک عمومی، انحصار سنتی قدرت توسط دولت‌ها را با چالشی فزاینده‌تر روبه‌رو می‌کند.

۷- جنبش‌های نوین اجتماعی

جنبش‌های نوین اجتماعی، تلاش یا کنش جمعی آگاهانه برای ایجاد تغییرهای مطلوب یا جلوگیری از بروز تغییرهای نامطلوب اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی هستند که گاه از روش‌های فرانهادین برای نیل به اهداف خود استفاده می‌کنند. در همه جوامع، جنبش‌های اجتماعی از نمودهای حیات اجتماعی و سیاسی به‌شمار می‌روند (مشیرزاده، ۱۳۸۱: ۴۴) که گاه ماندگاری حکومت را با چالش مواجه می‌کنند؛ نگاهی گذرا به ویژگی‌های بنیادی این جنبش‌ها نشان می‌دهد در آنها فردیت، خواسته‌های فردی و هویت فردی، نقشی بنیادین داشته‌اند و پیش‌از آنکه بر پایه تلقی طبقاتی شکل گرفته باشند، بر پایه پویش برای دموکراتیک‌کردن زندگی روزانه و گسترش وجوه مدنی در برابر وجوه سیاسی، استفاده از موضوع‌های فرهنگی و نمادین که با هویت سروکار ندارد برای بسیج نیرو به‌جای نارضایتی‌های اقتصادی شکل می‌گیرد. در این جنبش‌ها نقش فرد در برابر گروه، به‌شدت برجسته شده، بر جنبه‌های شخصی و خصوصی افراد تأکید می‌شود؛ ضعیف‌شدن پیوند سازمانی و منطقه‌ای در این جنبش‌ها به پدیده‌ای به نام «عنصر خودمرجعی» انجامیده‌است که در آن، متقاعدشدن فرد، بسیار اهمیت دارد (لارنا و دیگران، ۱۳۸۷: ۲۳).

جستجوی جمعی برای هویت در جنبش‌های نوین اجتماعی، کارکردی بنیادین در شکل‌گیری جنبش دارد به‌گونه‌ای که در بسیج نیروها بر موضوع‌های فرهنگی و نمادین تأکید می‌شود. موضوع‌هایی که با احساس تعلق به گروه اجتماعی متمایز از گروهی دیگر یا نظام فکری حاکم، برجسته شده‌اند، به

عامل بسیج‌کننده تبدیل شده، نظام فکری و فرهنگی حاکم را به چالش می‌کشند (Melucci, 1999: 156)؛ الگوهای کنشی بسیج در این جنبش‌ها بر عدم خشونت و نافرمانی مدنی استوار است که با هنجارهای رایج رفتاری و به‌کارگیری احساسات تند و خشونت‌آمیز مخالف است و از راهبردهای موفق گذشته افرادی همانند گاندی و کروپوتکین بهره‌می‌گیرد (Melucci, 1999: 23)؛ برپایه همین ویژگی‌هاست که کنش‌های جنبش‌های نوین اجتماعی از انقلاب‌ها که اغلب با خشونت همراه است متمایز می‌شوند.

د- تجزیه و تحلیل

۱- بی‌ثباتی در خاورمیانه

خاورمیانه که گستره آن را از خاور به افغانستان، پاکستان و اقیانوس هند و در باختر تا صحرا و شمال آفریقا محدود دانسته‌اند (درایسدل و جرالده ۱۳۷۴: ۷۴)، گستره‌ای جغرافیایی با تنوع سرزمینی و فرهنگی پیچیده و متشکل از نواحی ژئوپلیتیکی متعدد و نواحی فرهنگی گوناگون است؛ از این‌رو، خواست‌ها و نیازهای حکومت‌ها و ملت‌های آن با هم متفاوت‌اند؛ در مقیاس کشوری هم، بیشتر کشورهای خاورمیانه، تنوع ناحیه‌ای و سرزمینی دارند (کاوایانی‌راد، ۱۳۸۷: ۶۷). عواملی همانند بی‌ثباتی سیاسی، وجود بحران‌های چندوجهی، نظام‌های سیاسی طایفه‌محور، رکود اقتصادی، خودکامگی حاکمان، ناکارآمدی نظام‌های سیاسی، بیکاری و فقر، بی‌سوادی، مهاجرت نخبگان، وجود گروه‌های مافیایی و ...، بیشتر کشورهای خاورمیانه را در کانون بحران‌های کنونی و آینده در مقیاس منطقه‌ای و جهانی قرار داده‌است.

نیاز است، یادآوری شود که کانون پژوهش حاضر، به‌طور عمده بر خاورمیانه عربی، استوار است. حکومت‌های عرب خاورمیانه از نظر ساخت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی با چالش‌ها و شکاف‌هایی بسیار مواجه‌اند. ناکارآمدی، بی‌کفایتی و فساد دستگاه دولتی به‌عنوان نوعی نارضایتی عمومی در تمام کشورهای ثروتمند و فقیر به‌چشم می‌آید و حکومت مرکزی، همچنان خشونت فیزیکی را اعمال می‌کند. افزایش نرخ رشد جمعیت در منطقه به‌ویژه در کشورهای فقیر مانند الجزایر، مصر، اردن، مراکش و... که خدماتی کمتر به مردم ارائه می‌شود، رواج دارد. از نظر اقتصادی، حکومت‌های عربی، بسیار فربه هستند؛ آنها به‌استثنای بخش کشاورزی، در دیگر حوزه‌ها به‌مثابه کارفرما عمل می‌کنند؛ بنابراین، شهروندان از قِبل دولت، منتفع می‌شوند؛ از این‌رو، فساد و ناکارآمدی دستگاه دولتی بر

اقتصاد مردم نیز تأثیری گذارد؛ این حکومت‌ها از رهگذر اعمال نظارت بر شرکت‌های متعلق به بخش عمومی و در برخی موارد به‌واسطه جریان نفت و دیگر بخش‌هایی که مستقیم، به خزانه دولت وابسته‌اند، بر اقتصاد رسمی کشور تسلط دارند؛ نظامی اقتصادی که از آن با عنوان «حکومت رانتیر» یاد می‌شود. حکومت رانتیر در منطقه خاورمیانه، نقشی تعیین‌کننده در توسعه اقتصادی و گسترش آزادی‌های سیاسی داشته‌است؛ تأثیر اقتصادی چنین وضعیتی را می‌توان در وابستگی حکومت به رانت‌های به‌طور عمده برآمده از نفت مشاهده کرد که منبع اصلی درآمد حکومت‌های عربی به‌شمار می‌رود.

از آنجا که بخش اعظم درآمدهای ملی، خاستگاه مردمی ندارد، اغلب الزامی هم برای پاسخ‌گویی دستگاه حاکم در برابر مردم احساس نمی‌شود. داده‌ها و یافته‌های موجود نشان می‌دهند که حکومت‌های رانتیر، چندان به گسترش آزادی در نظام‌های سیاسی خود تمایل ندارند زیرا رانت، مؤلفه‌ای پایدار برای اقتدارگرایی حاکمیت است؛ از این رو، کارکرد و جایگاه حکومت‌های رانتیر از بازدارنده‌های بنیادی اصلاحات در این کشورهاست. به موازات اقتصاد رسمی، اقتصاد غیررسمی نیز، یکی از آفت‌های نظام اقتصادی این کشورها به‌شمار می‌رود؛ برای نمونه در کشور مصر، اقتصاد غیررسمی از نظر اندازه به‌طور معمول با اقتصاد رسمی برابری می‌کند. رشد مداوم بخش غیررسمی در نهایت، زمینه شکست و درماندگی بخش رسمی را فراهم می‌کند (منسفیلد، ۱۳۸۵: ۱۵۸).

نظام‌های سیاسی کشورهای عربی از نظر گونه‌شناسی، طیفی از اقتدارگرایی مهارنشده را در برمی‌گیرند که راه را برای بحران‌های عمیق در جامعه هموار می‌کنند؛ در واقع، یکی از علل مهم بی‌ثباتی و آشفتگی سیاسی و اقتصادی کشورهای منطقه، اعمال قدرت مهارنشده حکومت است که در ساختارها و رویه‌های سیاسی آنها به‌وضوح مشاهده می‌شود؛ از این رو، ماهیت ناکارآمد حاکمیت و ساخت حکومت و قدرت سیاسی در کشورهای خاورمیانه را باید از نقاط ضعف اساسی ساختاری آن به‌شمار آورد. آنگاه که حاکمیت، قابل‌انتساب به مردم نباشد بلکه در انحصار خاندان یا گروهی خاص باشد، به‌طور معمول، منابع قدرت آن نیز به یک الیگارشی (جرگه‌سالاری) خاص تعلق دارند که این امر زمینه را برای شکل‌گیری و ظهور ارکان اقتدارگرایی فراهم می‌کند که در آنها آزادی اجتماع‌ها و آزادی بیان تنها در محدوده‌ای باریک برتافته می‌شود. تفکیک قوا و استقلال قضایی در این کشورها مشاهده نمی‌شود؛ بر همین اساس، ساختارهای سیاسی کشورهای عرب خاورمیانه، با مردم‌سالاری یا حتی فرایند تغییرهای دموکراتیک، بسیار فاصله دارند؛ از این رو، بحران مشروعیت در بیشتر کشورهای

خاورمیانه، بسیار گسترده نمود دارد (حافظیان، ۱۳۸۸: ۲۳۸).

۲- کارکرد ژئوپلیتیکی رسانه‌ها در جنبش‌های خاورمیانه عربی

در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱، گردباد آشوب‌های اجتماعی گسترده‌ای در کشورهای جنوب‌غربی آسیا و شمال آفریقا، وزیدن گرفت؛ جرقه این اعتراض‌ها در ۱۸ دسامبر ۲۰۱۰ با خیزش مردم تونس و به دنبال خودسوزی فردی به نام محمد بوعزیزی در اعتراض به فساد و بدرفتاری پلیس آغاز شد؛ به دلیل وجود وضعیت مشابه در دیگر کشورهای منطقه، اعتراض‌ها با زنجیره‌ای از ناآرامی‌ها در الجزایر، اردن، مصر، یمن، بحرین، لیبی، عربستان و سوریه و در سطحی کوچک‌تر در دیگر کشورهای عرب ادامه یافت. در بسیاری از موارد روزهای اوج اعتراض‌ها با نام «روز خشم» توصیف می‌شد؛ طی این مدت، جوانان خشمگین عرب توانستند با بهره‌گیری از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی همانند فیس‌بوک و توئیتر در ساماندهی فعالان جنبش‌های خاورمیانه عربی، نقش اساسی بیافرینند. بسیاری از معارضان فعال یمنی بیان کردند، هنگامی که برای نخستین بار از طریق فیس‌بوک برای برپایی تظاهرات فراخوان دادیم، بسیاری از افراد، برداشتی درست از تعداد کسانی که این دعوت را اجابت می‌کنند، نداشتند اما نتیجه، شگفت‌آور بود. ساعتی پیش از زمان برگزاری راه‌پیمایی، صدها تن از جوانان در میدان دانشگاه صنعا گردآمده بودند (www.telegraph.co.uk)؛ متأثر از رخدادهای یادشده، تاکنون حکومت‌های مصر، تونس و لیبی در نتیجه این اعتراض‌ها سقوط کرده‌اند و سایر کشورها نیز، مانند بحرین، با تظاهرات مردمی، درگیر است. اهمیت نقش فناوری‌های مربوط به ITC به اندازه‌ای بود که می‌توان به پیشنهاد ۱۵۰ میلیارد دلاری پادشاه عربستان برای خرید کامل شبکه اجتماعی فیس‌بوک با هدف مخدوش‌سازی موج رسانه‌ای خیزش‌های عربی و عدم اشاعه این خیزش‌ها به کشور عربستان اشاره کرد (www.zdnet.com).

جدول ۱: تأثیر جنبش‌های مردمی بر تحولات کشورهای عربی

تاریخ	کشور	نوع اعتراض	پیامد
۱۸ دسامبر ۲۰۱۰	تونس	خودسوزی محمد بوعزیزی و آغاز اعتراض‌های خیابانی	فرار بن‌علی، سرنوشتی حکومت و برگزاری انتخابات سراسری
۲۸ دسامبر ۲۰۱۰	الجزایر	تظاهرات خیابانی	پایان قانون وضعیت اضطراری از سوی رئیس‌جمهور

(منبع: نگارندگان)

۱۵۱ مهجدول ۱: تأثیر جنبش‌های مردمی بر تحولات کشورهای عربی

تاریخ	کشور	نوع اعتراض	پیامد
۱۳ ژانویه ۲۰۱۱	لیبی	اعتراض به فساد و وضعیت مسکن	شرق لیبی به دست مخالفان افتاد که نبردی شش ماهه تا سرنگونی قذافی را به دنبال داشت
۷ ژانویه ۲۰۱۱	اردن	تظاهرات خیابانی	تغییرهایی در هیئت دولت اردن
۱۷ ژانویه ۲۰۱۱	عمان	تظاهرات خیابانی	افزایش حقوق و دست‌مزدها و اصلاحات سیاسی توسط سلطان قابوس
۱۴ ژانویه ۲۰۱۱	یمن	تظاهرات خیابانی و اختلاف در داخل حکومت ضد رئیس‌جمهور، علی عبدالله صالح	پس از اعتراض‌های خونین مردمی در یمن، علی عبدالله صالح با کناره‌گیری از قدرت موافقت کرد و دولت وحدت ملی در این کشور برای دوره انتقالی شکل گرفت
۲۱ ژانویه ۲۰۱۱	عربستان	اعتراض‌های خیابانی و خودسوزی و کشتار معترضان	آغاز اعتراض‌ها در ناحیه شیعه‌نشین قطیف، محدودیت‌های گسترده امنیتی و اجتماعی در سراسر کشور را به دنبال داشت
۲۵ ژانویه ۲۰۱۱	مصر	اعتراض‌ها و قیام ملی	سقوط حکومت حسنی مبارک و پیروزی انقلاب مصر، برگزاری انتخابات مجلس، انتخاب محمد مرسی، نامزد اخوان المسلمین
۳۰ ژانویه ۲۰۱۱	مراکش	خودسوزی و تظاهرات خیابانی	انجام اصلاحات سیاسی توسط رژیم پادشاهی مراکش و پیروزی اسلام‌گرایان در انتخابات مجلس
۱۴ فوریه ۲۰۱۱	بحرین	تظاهرات خیابانی سراسری	مقابله خشونت‌آمیز با تظاهرکنندگان و تداوم اعتراض‌های مردمی

(منبع: نگارندگان)

بخشی عمده از سازماندهی رخداد‌های مربوط به جنبش‌های اجتماعی خاورمیانه عربی در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی به شکل اعلامیه، فراخوان، اخبار، اطلاعات جنبش، چگونگی وضعیت نیروهای انقلابی و نیروهای دولتی، موقعیت‌های جغرافیایی-ارتباطی و پیام‌ها نمودیافت؛ برای نمونه در سایت فیس‌بوک، صفحه‌ای با عنوان «پروژه آماده‌سازی هواپیما برای هر رئیس‌جمهور» برپا شد که طعنه‌ای به رهبران و دیکتاتورهای کشورهای عرب به‌شمار می‌رود؛ در این صفحه از حسنی مبارک، رئیس‌جمهور مصر خواسته شده بود به فکر بستن چمدان‌هایش باشد؛ کاربران بسیاری هم خطاب به زین‌العابدین بن علی، رئیس‌جمهور مخلوع تونس گفتند که به مبارک بگویند، هواپیمایی هم منتظر

توست؛ همچنین کاربران در صفحه فیس‌بوک با اشاره به قانون حالت فوق‌العاده که از سی (۳۰) سال پیش تاکنون در مصر پابرجاست، نوشتند: «ما خواهان لغو حالت فوق‌العاده هستیم، ما با قلع‌وقمع در مصر مخالف‌ایم و ما می‌خواهیم آزاد باشیم». در مدت زمان ۲۴ ساعت، ۲۵ هزار نفر به این صفحه فیس‌بوک پیوستند؛ همچنین، بسیاری از کاربران عرب فیس‌بوک، به نشانه همبستگی با مردم تونس، به‌جای تصاویر خود از پرچم این کشور استفاده کرده‌اند (www.telegraph.co.uk).

جدول ۲: تعداد کاربران اینترنت در کشورهای خاورمیانه عربی

نام کشور	تعداد کاربران اینترنت	کل جمعیت	متوسط سن
مصر	۲۰.۱۳۶.۰۰۰	۸۰.۴۷۱.۸۶۹	۲۴
تونس	۳.۵۰۰.۰۰۰	۱۰.۴۳۲.۰۰۰	۲۴.۹
الجزایر	۴.۷۰۰.۰۰۰	۳۴.۸۹۵.۴۷۰	۲۷.۱
لبنان	۱.۰۰۰.۰۰۰	۴.۲۲۳.۰۵۳	۲۱.۸
لیبی	۳۵۳.۹۰۰	۶.۴۱۹.۹۲۵	۲۴.۲
مراکش	۱۳.۲۱۳.۰۰۰	۳۱.۹۹۲.۰۹۲	۲۶.۶
اردن	۱.۶۴۲.۰۰۰	۵.۹۵۱.۰۰۰	۲۱.۸
سوریه	۴.۴۶۹.۰۰۰	۲۱.۰۹۲.۲۶۲	۲۱.۵
یمن	۲.۳۴۹.۰۰۰	۲۳.۵۸۰.۲۲۰	۱۷.۸
عربستان	۹.۷۷۴.۰۰۰	۲۵.۳۹۱.۰۰۰	۲۴.۹

(منبع: <http://www.khabaronline.ir/news-126393.aspx>)

با این حال، به‌نظر می‌رسد که منسجم‌ترین و بارزترین نمود هدایت معترضان از رهگذر فضای مجازی، به رخدادهای مصر و جنبش موسوم به ۶ آوریل، مربوط باشد. جنبش جوانان ۶ آوریل، گروه فیس‌بوکی مصری است که /حمد ماهر در بهار ۲۰۰۸، آن را برای پشتیبانی از کارگران شهر صنعتی «المحله الكبرى» که برای اعتصاب در تاریخ ۶ آوریل برنامه‌داشتند، طراحی کرد. وبلاگ‌نویسان و خبرنگاران از فیس‌بوک، توئیتر، فلیکر، تارنماها و دیگر ابزارهای رسانه برای گزارش اعتصاب و هشدار به شبکه‌ها درباره فعالیت پلیس، سازماندهی حفاظت قانونی و جلب نظرها به اقدام‌هایشان استفاده کردند. تا ژانویه ۲۰۰۹، این گروه، حدود هفتاد هزار عضو به‌طور عمده جوان و تحصیل‌کرده داشت که بیشتر آنها تا پیش از آن در سیاست، فعال نبودند و نگرانی اصلی آنها در «نبود آزادی بیان، خویشتاوندسالاری در حکومت و رکود اقتصادی کشور» نمود یافته بود؛ همچنین اعضای گروه، چند راه‌پیمایی عمومی را برای آزادسازی خبرنگاران در بند و اعتراض‌های مرتبط با جنگ غزه (۲۰۰۸ تا

۲۰۰۹) در اعتراض به اسرائیل سازماندهی کردند؛ این گروه با توزیع بیست‌هزار بروشور یک روز پیش از جمعه خشم، مکان‌هایی را که باید معترضان حاضر شوند و آنچه باید فراهم کنند، در آن تشریح کردند؛ آنها مردم را برمی‌انگیختند تا اطلاعات خود را از رهگذر ایمیل به‌جای فیس‌بوک و توئیتر منتشر کنند تا از مداخلات دولتی جلوگیری کنند (www.nytimes.com).

وزارت خارجه ایالات متحده نیز هم‌زمان با گسترش اعتراض‌های مردمی، صفحه عربی «تویتر» خود را راه‌اندازی کرد و در نخستین متن منتشر شده آن به زبان عربی، خطاب به مردم کشورهای عربی یادآور شده است که «...واشنگتن متوجه «نقش تاریخی» شبکه‌های اجتماعی در دنیای عرب شده است و ما می‌خواهیم با شما گفتگو کنیم» (www.guardian.co.uk)؛ در انقلاب لیبی نیز، شبکه‌های اجتماعی و ارتباطات مجازی، نقشی پررنگ داشتند (www.aljazeera.com). در تونس فعالان اینترنتی، اطلاعات خود را درباره اینکه چگونه معترضان می‌توانند از نوشتابه کوکاکولا به‌عنوان یک روش محافظت از خودشان در برابر گاز اشک‌آور پلیس استفاده کنند، با دیگران به‌اشتراک گذاشتند (www.slate.com).

در لیبی، نرم‌افزار گوگل‌ارت، ابزاری راهبردی برای انقلابی‌ها به‌شمار می‌رفت. نرم‌افزار گوگل‌ارت^۱ به کاربر امکان می‌دهد، نقاط مختلف جهان را با استفاده از تصاویر ماهواره‌ای و نقشه‌های جغرافیایی، مشاهده و گشت‌وگذار کند؛ با استفاده از این برنامه می‌توان تصاویر واقعی ضبط‌شده از کره زمین را با قابلیت بزرگ‌نمایی مشاهده کرد. گوگل‌ارت با آخرین برنامه اینترنتی و تصاویر ماهواره‌ای در آغاز آمریکای شمالی و اینک، همه نقاط جهان را پوشش می‌دهد؛ این سرویس که سال‌ها فقط در اختیار سازمان‌های جاسوسی قرار داشت، امروز به شکل رایگان در دسترس همه مردم قرار دارد و هرکس می‌تواند در هر نقطه از جهان، این تصاویر را دریافت کند؛ براساس این، می‌توان شهرها، خیابان‌ها و سکونت‌گاه‌های انسانی را آن‌گونه که هست، مشاهده کرد؛ از سوی دیگر، همکاری این برنامه با موتور جستجوی گوگل، این امکان را فراهم می‌کند تا هنگامی که شهری از نظر گذراننده می‌شود، فرد بتواند کافی‌شاپ‌ها، رستوران‌ها، خواروبارفروشی‌ها و هزاران مرکز تجاری کنار آنها را بیابد و همچنین می‌توان با کلیک کردن روی هر یک از آنها جزئی‌ترین اطلاعات درباره هر یک را از موتور جستجو گوگل دریافت کرد؛ انقلابی‌ها این ابزار را در لیبی استفاده کردند به‌گونه‌ای که مخالفان رژیم سرهنگ قذافی نیز در شهر مصراته برای تعیین محل استقرار ادوات نظامی هواداران دولت از گوگل‌ارت استفاده می‌کردند.

1. Google Earth

انقلابی‌های لیبی با بهره‌گیری از گوگل‌ارت توانستند اهداف خود را با دقت بالا شناسایی کنند (www.theaustralian.com).

در مصر نیز شبکه اجتماعی فیس‌بوک، نقشی بسزا در سازماندهی و هدایت جنبش معترضان برعهده داشت؛ در این کشور، قتل جوانی به نام خالد سعید، مشابه رویداد خودسوزی محمد بوعزیزی در تونس، زمینه شکل‌گیری خیزش مردمی شد. خالد سعید، بازرگانی در اسکندریه بود که ۱۰ ژوئن ۲۰۱۰ به دلیل نپرداختن پول به دو مأمور پلیس مصری در یک کافی‌نت، ضرب‌وشتم و بر اثر جراحات وارده کشته شد (www.thenational.ae)؛ اتهام او پخش فیلمی از فساد پلیس، روی اینترنت بود (www.bbc.co.uk)؛ در این باره، شخصی با نام مستعار «الشهید»^۱ (که هیچ‌یک از فعالان مصری از هویت واقعی او اطلاعی ندارند)، صفحه‌ای در فیس‌بوک به یاد او و با شعار «ما همه خالد سعید هستیم» ایجاد کرد که به‌رغم اختلال در اینترنت مصر، بیش از ۳۷۵ هزار عضو را به خود جلب کرد و نخستین اعلام همگانی برای حضور در روز «جمعه خشم»، روی این صفحه اعلام شد (www.facebook.com)؛ این صفحه، نیروی محرکه اصلی در اطلاع‌رسانی، هدایت نیروهای انقلابی و محل تجمع اخبار و اعلان‌های مربوط به رویدادهای جاری مصر بود که از رهگذر فضای مجازی ساماندهی و هدایت می‌شد.

مقام‌های مصری، اینترنت و خدمات تلفن همراه را برای سرکوبی و فرونشاندن اعتراض‌های ضد دولتی بستند اما این اقدام‌ها دیر به‌اجرا درآمدند. معترضان، اخبار آنلاین اعتراض‌های روز جمعه (جمعه خشم) را منتشر کردند و فهرست میدان‌های عمومی را که مردم باید گردمی‌آمدند، به همه اطلاع دادند؛ این فراخوان‌ها در توئیتر و فیس‌بوک از ابتدای صبح جمعه منتشر شدند؛ توجه به چنین ویژگی‌هایی بود که موجب شد، خبرگزاری رویترز در گزارشی درباره انقلاب مصر، انقلاب مردم این کشور را «انقلاب فیس‌بوکی» بنامد و پدری مصری نیز از لحاظ نقش مهم فیس‌بوک در کامیابی معترضان در تصرف برخی شهرها در مصر، نام دختر نوزاد خود را فیس‌بوک گذاشت (www.cnn.com).

افزون بر فضای مجازی، تلویزیون ماهواره عرب، محملی نوین برای شکل‌گیری تجربه و هویت مشترک در میان اعراب بوده است؛ در این میان، کانال الجزیره به دلیل پوشش پیوسته ناآرامی‌های خیابانی در برخی کشورهای عربی (جز بحرین) به کنش‌گر اصلی غیر حضوری در خیابان‌های عربی

تبدیل شد؛ به گونه‌ای که بسیاری از کارشناسان تحولات خاورمیانه بر این باورند که بدون الجزیره، سیاست و دیپلماسی عمومی در خاورمیانه نمی‌تواند مطالعه‌شود؛ این شبکه به دلیل به‌کارگیری ابزارهای رسانه‌ای جدید، توانسته از نظر بین‌المللی، سرآغاز آگاهی از مردم‌سالاری در جوامع عرب شود (ابراهیمی، ۱۳۹۰: ۱۲۶)؛ به‌هرروی، یافته‌های موجود، گویای آن است که جوامع عرب، حکومتی می‌خواهند که شأن و نیاز طبقات مختلف اجتماعی‌اش همخوانی داشته‌باشد (نصری، ۱۳۹۰: ۶۱).

قرارگیری خیزش‌های مردمی در کشورهایی مانند مصر، تونس، بحرین، یمن، اردن و پادشاهی مغرب و الجزایر در میدان دید رسانه‌ها، به افزایش آگاهی و اشراف اطلاعاتی معترضان منجر شد به طوری که حکومت‌های سرنگون‌شده قادر نشدند، وقایع و اتفاق‌های رخ داده را بپوشانند.

نتیجه‌گیری

رسانه‌ها، وسایل ارتباطی نوین و شبکه‌های مجازی، به واسطه‌ی سرعت ارتباطی بالا نقشی بسیار مهم در تحرک جنبش‌های اجتماعی خاورمیانه عربی داشته‌اند؛ این راهبرد رسانه‌ای نوین با شکستن مرزهای زمانی و مکانی، محملی برای گروه‌های به‌حاشیه‌رانده‌شده ساختار قدرت در جوامع هستند. نقش راهبرد رسانه‌ای در شکل‌گیری جنبش‌های خاورمیانه عربی به حدی بود که برخی تحلیل‌گران از آن به‌عنوان انقلاب توییتری یا فیس‌بوکی یاد کردند؛ براساس این باید گفت که نقطه مشترک این جنبش‌ها نقش رسانه‌های الکترونیکی نوین در شکل‌گیری آنهاست که لایه‌های پایینی جامعه از آن برای کنش‌گری ژئوپلیتیکی در برابر ساخت قدرت رسمی استفاده می‌کنند.

حوزه ژئوپلیتیک عمومی بر این نکته، متمرکز است که بخشی از قدرت در لایه‌های پایین جامعه، نهفته است. هر واحدی (فرد یا سازمان) برخلاف ساخت سیاسی پیشامدرن که ملت فاقد قدرت مؤثر بود، در ساخت دولت مدرن ملت، کنش‌گری فعال در مناسبات قدرت و سیاست محسوب می‌شود؛ در این میان، رسانه‌های عمومی به‌عنوان ابزار عرصه عمومی، میدانی از قدرت را فراهم ساخته که انحصار قدرت کلاسیک هیئت حاکمه را به‌چالش کشیده‌است؛ این عرصه با عنوان ژئوپلیتیک عمومی در جهت‌دهی به خواست‌ها و آرمان‌های مردم، نقشی اساسی یافته‌است. رشد و گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات، امروزه در قالب اینترنت، ماهواره و خلق شبکه‌ها و جنبش‌های نوین اجتماعی که حکومت‌ها کمتر توان کنترل و شناسایی آنها را دارند، مقوله سنتی حاکمیت و قدرت مطلق را به‌چالش کشیده‌اند و به شهروندان برای بیان نیازها و دیدگاه‌هایشان کمک می‌کنند؛ این وضعیت در

روند تحولات کشورهای عربی خاورمیانه، به‌خوبی بازتاب یافت. ماهیت اقتدارگرایانه نظام‌های سیاسی کشورهای عربی خاورمیانه به‌گونه‌ای است که چندان برای جُستار آزادی‌های سیاسی مجال نمی‌دهند و هزینه نقد نظام‌های سیاسی اغلب ناکارآمد را به‌شدت بالا برده‌اند؛ از این‌رو، قطب ملت به‌عنوان جزئی از ساختار یک واحد سیاسی با اتکا به افزایش وزن ژئوپلیتیکی خود، به قدرت مسلط حکومت واکنش نشان می‌دهد؛ این واکنش‌ها به نوع و هدف تقابل دولت - ملت بستگی دارد؛ براساس این، حوزه کنش‌گری ژئوپلیتیک عمومی، ساخت قدرت و سیاست کشورهای عربی خاورمیانه و شمال آفریقا را درهم‌شکسته و سرنگونی بسیاری از حکومت‌های اقتدارگرا را به‌دنبال داشته‌است.

منابع

۱. منابع فارسی

- ابراهیمی، نبی‌الله (۱۳۹۰)؛ «تأثیر شبکه‌های اجتماعی و کانال‌های ماهواره‌ای در وقوع و تکوین انقلاب‌های عربی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*؛ ش ۲.
- اطاعت، جواد (۱۳۷۶)؛ *ژئوپلیتیک و سیاست خارجی ایران*؛ نشر مفید.
- آقای، داوود و همکاران (۱۳۹۱)؛ «واکاوی نقش اینترنت و رسانه‌های اجتماعی جدید در تحولات منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا»، *فصلنامه روابط خارجی*؛ ش ۱۴.
- بورن، اد (۱۳۷۹)؛ *بعد فرهنگی ارتباطات برای توسعه*؛ ترجمه مهرسیما فلسفی؛ چ ۱، انتشارات سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، مرکز تحقیقات مطالعات و سنجش برنامه‌ای.
- پورلک‌سلیمانی، فاطمه (۱۳۹۰)؛ *قدرت نرم در استراتژی خاورمیانه‌ای آمریکا*؛ چ ۱، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- تامپسون، جان (۱۳۸۰)؛ *رسانه‌ها و مدرنیته*؛ ترجمه مسعود اوحدی؛ تهران: انتشارات سروش.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۵)؛ *اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک*؛ چ ۱، مشهد: انتشارات پاپلی.

- حافظیان، محمدحسین (۱۳۸۸)؛ *دولت، نخبگان و توسعه در خاورمیانه*؛ تهران: انتشارات معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی.
- حمیرا مشیرزاده و نبی‌الله ابراهیمی (۱۳۸۹)؛ *تحول مفاهیم در روابط بین‌الملل*؛ چ ۱، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- جمشیدیان، مهرداد (۱۳۹۳)؛ «بیداری اسلامی و سهم فناوری و تکنولوژی‌های ارتباطی در آن»، *فصلنامه مطالعات رسانه و امت*؛ ش ۱.
- درایسدل آلاسدر و اچ. بلیک جرال (۱۳۷۴)؛ *جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا*؛ ترجمه دره میرحیدر؛ تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، وزارت امور خارجه.
- دهشیار، حسین (۱۳۸۵)؛ «آمریکا و خاورمیانه؛ رویکردها و راهبرها»، *مجله اطلاع‌رسانی و کتابداری کتاب ماه علوم اجتماعی*؛ ش ۱۰۶ تا ۱۰۸.
- سردارنیا، خلیل‌الله و مصطفی حیدری (۱۳۹۴)؛ «تحلیل جنبش اجتماعی مصر در چارچوب نظریه‌های متأخر جنبش‌های اجتماعی جان فوران»، *فصلنامه سیاست*، دوره چهل و پنجم.
- کاویانی راد، مراد (۱۳۸۷)؛ «تحلیل ژئوپلیتیک تحولات کردستان عراق»، *فصلنامه راهبرد دفاعی*؛ ش ۲۰.
- لارنا انریک و دیگران (۱۳۸۷)؛ *جنبش‌های نوین اجتماعی*؛ ترجمه سید محمدکمال سروریان و علی صبحدل؛ تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- عبدالهی، رضا و همکاران (۱۳۹۱)؛ «نقش رسانه‌های نوین در جنبش‌های اجتماعی (مطالعه موردی جنبش تسخیر وال استریت)»، *فصلنامه مطالعات فرهنگ ارتباطات*؛ ش ۱۸.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۱)؛ *جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی*؛ چ ۱، انتشارات سمت.
- محسنیان راد، مهدی (۱۳۸۲)؛ *ارتباط‌شناسی*؛ انتشارات سروش.

- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۱)؛ *درآمدی نظری بر جنبش‌های اجتماعی*؛ نشر پژوهشکده انقلاب اسلامی و امام خمینی.
- منسفیلد، پیتر (۱۳۸۵)؛ *تاریخ خاورمیانه*؛ ترجمه عبدالعلی اسپهبدی؛ انتشارات علمی و فرهنگی.
- میرحیدر، دره، رسول‌افزلی و اسکندر مردای (۱۳۹۰)؛ «ژئوپلیتیک از نگاهی دیگر: تمرکززدایی از دانش قدرت»، *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*؛ ش ۷۸.
- موثقی گیلانی، سید احمد و بهزاد عطارزاده (۱۳۹۱)؛ «نقش و تأثیر فضای مجازی بر جنبش‌های اجتماعی؛ مطالعه موردی مصر»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*؛ ش ۲۷.
- نای، جوزف (۱۳۸۷)؛ *قدرت در عصر اطلاعات از واقع‌گرایی تا جهانی‌شدن*؛ ترجمه سعید میرترابی؛ پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- نصری، قدیر (۱۳۹۰)؛ «تأملی نظری در ماهیت و روند تغییر در جهان عرب»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*؛ ش ۲.
- هوور، استوارت و نات لاندبای (۱۳۸۲)؛ *رسانه، دین و فرهنگ*؛ ترجمه مسعود آریایی‌نیا؛ تهران: نشر سروش.

۲. منابع انگلیسی

- Cresswell John Timothy (2008) *In place/out of place: geography, ideology and transgression, Volume 2* University of Minnesota Press, Minneapolis
- Dale Helle C, (2009), *Public Diplomacy 2.0: Where the U.S. Government Meets "New Media"*, <http://www.heritage.org/Research/Reports/2009/12/Public>.
- Dittmer, J., & Dodds, K. (2008). *Popular geopolitics past and future: Fandom, identities and audiences. Geopolitics*
- . Dodds, Klaus (2006) *Geopolitics very short introduction, Oxford, London*.
- Dodds Klaus (2000) *Geopolitics in a changing world* ,Publisher:Prentice Hall, the University of Michigan
- Fourie, P.J. (Ed), *Media Studies. Volume One: Institutions, Theories and Issues. Landsdowne: Juta Education, 2001*.

- G. O'Tuathail (1999) *Understanding critical geopolitics: geopolitics and risk society* *Journal of Strategic Studies*, 22 .
 - Joanne P Sharp (1993) *Publishing American identity: popular geopolitics, myth and The Reader's Digest Political Geography*, 6.
 - K. Dodds (1996) *The 1982 Falklands War and a critical geopolitical eye: Steve Bell and the If ... cartoons*, *Political Geography*, 15
 - McFarlane, tomas, (2003). *The battle for Seattle: protest and popular geopolitics in The Australian newspaper*, Flinders University, School of Geography Population and Environmental Management, GPO Box 2100, Adelaide SA5001, Australia
 - Melucci, Alberto. (1999) "Nomads of the Present" London: Hutchinson Radius.
 - O'Loughlin, John, (2003), *Geopolitical Fantasies, National Strategies and Ordinary Russians in the Post-Communist Era*, Institute of Behavioral Science University of Colorado
 - O'Tuathail, Reynolds, (1998), *Writing critical geopolitics: Carleton university Ottawa*, *Political Geography* vol 15 Issues7
 - Purcell, Darren , Brown Melissa Scott & Gokmen, Mahmut (2010), *Achmed the dead terrorist and humor in popular geopolitics*. *GeoJournal* .
 - Sheikh N.S, (2003) *the politics of islam. Pan-Islmic Foreign Policy in a World of States*, London: Routledge Curzone,
 - Skocpol, Theda (1979) *States and Social Revolutions: A Comparative Analysis, of France, Russia, and China*. Cambridge, England: Cambridge University Press.
 - Vladimir Toncea, *Geopolitical evolution of borders in Danube Basin*, PhD 2006.at: <http://www.websters-online-dictionary.org/definitions/geopolitics>
۳. منابع الکترونیکی
- http://articles.cnn.com/2011/02-21/world/egypt.child.facebook_1_facebook-page-wael-ghonim-social-media?_s=PM:WORLD, Report: Egyptian dad names child 'Facebook' February 21, 2011 <http://itna.ir/vdgc3t9q.ak9774prra.html.27/3/1390>

- <http://www.aljazeera.com/programmes/listeningpost/2011/09/2011938838405146.html>, "Li bya: Media on the frontlines of revolution" 03 Sep 2011
- <http://www.bbc.co.uk/news/15467022> , "Egypt jails police over activist Khaled Said's death". 26 October 2011.
- http://www.facebook.com/elshaheed.co.uk?_fb_noscript=1
- <http://www.guardian.co.uk/world/2011/feb/09/us-state-department-twitter-arabic> , "US state department begins tweeting in Arabic" 9 February 2011
- <http://www.khabaronline.ir/news-126393.aspx> ۸/۱۱/۱۳۸۹ خاورمیانه و شمال آفریقا
- <http://www.nytimes.com/2009/01/25/magazine/25bloggers-t.html?pagewanted=all> , Shapiro, Samantha M. "Revolution, Facebook-Style". The New York Times (The New York Times Company). Retrieved February 15, 2008. (January 22, 2009)
- http://www.slate.com/articles/news_and_politics/explainer/2011/02/numb_and_coke.html, "Numb and Coke, Can you really fight off tear gas with a can of soda?", Brian Palmer Feb. 7, 2011
- <http://www.telegraph.co.uk/news/worldnews/africaandindianocean/egypt/8280741/Egyptian-activists-inspired-by-Tunisia-for-day-of-wrath.html>, "Egyptian activists inspired by Tunisia for 'day of wrath'" 25 Jan 2011
- <http://www.telegraph.co.uk/news/worldnews/africaandindianocean/tunisia/8262977/Arab-web-users-say-Tunisia-shows-time-up-for-leaders.html>, Arab web users say Tunisia shows time up for leaders, 16 Jan 2011
- <http://www.theaustralian.com.au/in-depth/middle-east-in-turmoil/google-points-way-for-libyan-rebel-artillery-in-fight-against-gaddafi/story-fn7ycml4-1226076662239> Google points way for Libyan rebel artillery in fight against Gaddafi, June 17, 2011
- <http://www.thenational.ae/news/world/middle-east/anger-on-the-streets-of-cairo> , "Anger on the streets of Cairo". The National (Abu Dhabi) Matt Bradley. 2010-06-13. Retrieved 2010-07-13.
- <http://www.zdnet.com/blog/facebook/saudi-king-did-not-offer-150-billion-forfacebook/287>, "Saudi king did not offer \$150 billion for Facebook" February 28, 2011, Emil Protalinski